

## امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر

رضا خسروی\* / نجف لکزایی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۷

### چکیده

امنیت در تمامی ابعاد آن، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان‌ها مورد توجه دین مبین اسلام قرار دارد. یکی از ابعاد امنیت، امنیت اقتصادی است. توسعه و پیشرفت اقتصادی و عمران و آبادانی سرزمین، نیازمند ایجاد و ارتقاء امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی، حاصل شناخت عوامل و موانع، تهدیدها، روش تحصیل و راهکارها و آثار آن است. حکومت هر چند کوتاه امیرمؤمنان علیه السلام و تأکید ایشان بر ایجاد فضای اقتصادی سالم و به تعبیر امروزی امنیت اقتصادی، می‌تواند الگویی کامل و نیکو از ایجاد و ثبات امنیت اقتصادی را به تصویر کشاند. مقاله حاضر در صدد بررسی و بیان نقش و جایگاه امنیت اقتصادی و عوامل و موانع امنیت اقتصادی از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام و روش‌های تحصیل و راهکارها مورد استفاده ایشان در ایجاد و ارتقاء امنیت اقتصادی است.

### واژگان کلیدی

امنیت، امنیت اقتصادی، عهد مالک اشتر، نامه ۵۳.

khosravi\_119@yahoo.com  
nlakzaee@gmail.com

\*. دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام. (نویسنده مسئول)  
\*\*. استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

## طرح مسئله

یکی از دغدغه‌های بشر از دیرباز تاکنون، مشکلات اقتصادی و فقدان رفاه و آسایش و گسترش روز افزون فقر است. فقر عامل بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات در سطوح مختلف جامعه است. بسیاری از ناهنجاری‌ها نشأت گرفته از فقر و ضعف اقتصادی است، از همین رو است که در روایات به فقر به‌عنوان عامل ضعف در دین و سست شدن دینداری نگاه شده است: «اللهم بارک لنا فی الخبز ولا تفرّق بیننا و بینه فلولاً الخبزُ ما صُنّا ولا صلّینا ولا أدینا فرائض ربنا عزّوجلّ؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۸۷) خدایا به نان ما برکت ده، و میان ما و آن جدایی میفکن، که اگر نان نباشد، نه می‌توانیم روزه بگیریم و نه نماز بخوانیم، و نه دیگر واجبات را انجام دهیم».

از سوی دیگر یکی از مسئولیت‌ها و وظایف حکومت اسلامی بر طرف نمودن مشکلات اقتصادی و از جمله فقرزدایی از سطح جامعه اسلامی است. بدون شک مقدمه و یکی از مهم‌ترین زمینه‌های برطرف نمودن ضعف و مشکلات اقتصادی، ایجاد و ارتقا امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی موجب کوتاه شدن دست زیاده‌خواهان و در مقابل زدودن فقر از چهره جامعه اسلامی خواهد شد. حکومت عدل امام علی علیه السلام به‌عنوان الگوی حکومت اسلامی و سیره عملی و کلام ایشان می‌تواند راهگشای خوبی در رسیدن به هدف مقدس ایجاد و ارتقا امنیت باشد. از این رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که مولفه‌های امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام چیست؟

## الف) مفهوم‌شناسی

### یک. امنیت

امنیت از ریشه «امن» و ضد خوف (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۱) و به معنای ایمنی و آرامش قلب و خاطر جمعی است و اصل در واژه «امن» آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱ / ۱۵۰)

امنیت در اصطلاح عبارت از دستیابی به وضعیتی است که فرد یا افراد با انجام دادن، یا

ندادن اقداماتی از آسیب و تعرض و تهدیدهای مختلف محفوظ و مصون باشد، تا به ایمنی و آرامش قلبی برسد. (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۲۶)

## دو. اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای میانه راه رفتن و میانه نگاه داشتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه اقتصاد) و در مخارج زندگی میانه‌روی کردن است (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۱۰ /) راغب اصفهانی اقتصاد را این‌گونه معنا کرده است: «اقتصاد پسندیده به‌طور مطلق در میانه‌روی چیزی که دو طرف افراط و تفریط دارد مثل جود یا بخشش که میان حالت زیاده‌روی و بخل قرار دارد و شجاعت که حالتی است میان تهور و ترس و مانند اینها و بر این معنا است آیه: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۹۷)

## سه. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی از جمله سطوح امنیت به‌شمار می‌رود که به معنای رهایی از تهدید و اضطراب، و اطمینان داشتن در حوزه اقتصادی است. برخی امنیت اقتصادی را آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت، توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد، می‌دانند. (برومند، ۱۳۸۷: ۲۶) برخی نیز امنیت اقتصادی را وضعیتی می‌دانند که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، دست به برنامه‌ریزی درازمدت بزنند. (زارعشاهی، ۱۳۷۹: ۲۲۵)

بنابراین می‌توان گفت امنیت اقتصادی عبارت است از: نبود ترس و خوف و حصول اطمینان و ایجاد بسترهای مناسب و زمینه‌های مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی در جهت تولید مناسب ثروت، توزیع و مصرف صحیح آن.

## ب) اهمیت و ضرورت امنیت اقتصادی

اهمیت امنیت و بعد اقتصادی آن را از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد. نخست اینکه،



امنیت در تمامی ابعاد آن، یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیازها و خواسته‌های بشریت است. انسان برای حیات خود به امنیت نیازمند است، چنانکه در روایات نیز به آن اشاره شده است: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخُصْبُ؛ (حرانی، ۱۳۸۲: ۲۲۰) مردم همه به سه چیز نیازمندند: امنیت، عدالت، رفاه.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸ / ۱۷۱) فقدان امنیت آثار مخربی، چون نقصان و ناگواری زندگی، نابودی و زوال عقل و دل مشغولی را بر انسان تحمیل می‌کند.

در روایات جامعه و سرزمینی که فاقد امنیت باشد را بدترین جوامع معرفی می‌کند: «شَرُّ البلاد بلد لا امن فيه و لا خصب؛ بدترین شهرها شهری است که نه امنیت باشد در آن و نه رفاه.» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۹: ۴۰۹) از همین جهت است که در سیره و روش اهل بیت (علیهم‌السلام) و در ادعیه‌های ایشان درخواست امنیت در دنیا و آخرت فراوان بیان شده است: «یا من دلتی علی نفسه و ذللی قلبی بتصدیقہ أسألک الامن و الایمان فی الدنيا و الآخرة.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴ / ۳۷۱) دوم اینکه، تحقق بسیاری از ضروریات حیات انسان و جامعه نظیر عدالت (فردی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی) رفاه عمومی، و ... نیازمند امنیت است، بنابراین دستیابی به اقتصاد سالم و به دور از تبعیض، فساد و بی‌عدالتی، جز با تحقق امنیت اقتصادی میسر نخواهد بود. بیانات مقام رهبری گویای همین مطلب است: «اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه رشته‌های یک مملکت به تدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است.» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۶ / ۱ / ۱۳۷۹)

فقدان امنیت اقتصادی ثمره‌ای جز افراط و تفریط و تبعیض و فضای شک و شبهه و عدم اطمینان در حوزه اقتصاد به همراه نخواهد داشت.

### ج) عوامل امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی حاصل ایجاد شرایط، بسترهای مناسب و وجود عوامل و زمینه‌های مؤثر است،

از این رو می‌بایست با شناخت این زمینه‌ها و عوامل، در دستیابی یا حفظ و ارتقا آن تلاش نمود. با تأمل در سیره عملی و کلام امام علی علیه السلام به برخی از این عوامل اشاره می‌شود.

#### یک. خدامحوری

امیرمؤمنان علیه السلام امنیت در تمامی سطوح و ابعاد آن را محصول خدامحوری و به تبع آن دین‌مداری دانسته و در مقابل ناامنی را حاصل بی‌دینی و عدم خداباوری و خدامحوری می‌داند:

إِنِّي إِذَا اسْتَحْكَمْتُ فِي الرَّجْلِ خَصْلَةً مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلْتَهَا وَ اغْتَفَرْتُ لَهَا فَقَدْ مَا سِوَاهَا وَ لَا اغْتَفَرُ لَهُ فَقَدْ عَقِلَ وَ لَا عَدَمَ دِينَ لِأَنَّ مَفَارِقَةَ الدِّينِ مَفَارِقَةُ الْأَمْنِ وَ لَا تَهْنَأُ حَيَاةٌ مَعَ مَخَافَةٍ وَ عَدَمَ الْعَقْلِ عَدَمُ الْحَيَاةِ وَ لَا تَعَاشِرُ الْأَمْوَاتِ. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶۴)

هر که در او خصلتی از خصال نیک بر من ثابت شود، او را بر آن پذیرا می‌شوم و از نبودن چیزهای دیگر چشم می‌پوشم، اما از نبودن خرد و دین چشم نمی‌پوشم؛ زیرا جدایی از دین، جدایی از امنیت‌خاطر است و زندگی با ناامنی و نگرانی گوارا نخواهد بود. فقدان خرد نیز به منزله فقدان حیات است و بی‌خرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد.

از دیدگاه حضرت پناه بردن به خدا، عامل امنیت و دوری از خدا موجب خوف است:

إِيهَا النَّاسُ، إِنَّهُ مِنْ اسْتَنْصَحَ اللَّهَ وَفَّقَ وَ مِنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدِيَ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ فَنَأْتِ جَارَ اللَّهِ آمِنًا وَ عَدُوَّهُ خَائِفًا. (خطبه ۱۴۷)

مردم! هر کس خدا را ناصح و خیرخواه خود قرار دهد، موفق می‌شود و هر کس قول او را دلیل و راهنما قرار دهد، به استوارترین راه هدایت خواهد شد. کسی که خود را در پناه خدا قرار دهد، در امنیت و آرامش خواهد بود و هر کس دشمن خدا باشد، خائف و ترسان است.

در نگاه امام علی علیه السلام شخصی که در مسیر الهی قدم گذارد و در این مسیر جز رضایت حضرت حق را در نظر نداشته باشد به امنیت دست پیدا خواهد نمود:

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ حَتَّى دَقَّ جَلْبَهُ وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ وَ بَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرُ الْبَرَقِ فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ وَ تَدَا فَعْتَهُ الْأَبْوَابُ إِلَيَّ بَابِ السَّلَامَةِ وَ دَارِ



الْإِقَامَةِ وَ تَبَّتْ رِجْلَاهُ بَطْمَأِينَتِهِ بَدَيْهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبُهُ وَ  
أَرْضَى رَبَّهُ. (خطبه ۲۲۰)

پوینده راه خدا عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر، و خشونت اخلاقی به نرمی گرایید، برقی پر نور برای او درخشید، و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت و پروردگار خویش را راضی کرد.

گرچه این فرازها خاص امنیت اقتصادی نیست و به امنیت به طور مطلق اشاره دارد، اما مسلماً امنیت اقتصادی نیز به عنوان یکی از ابعاد امنیت جز در سایه خدامحوری حاصل نخواهد شد، از این رو حضرت کارگزاران اقتصادی خود را به همین اصل مهم سفارش می‌کند: «إِطْلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحَدِّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ (نامه ۳۵)؛ با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، (برای دریافت زکات) حرکت کن».

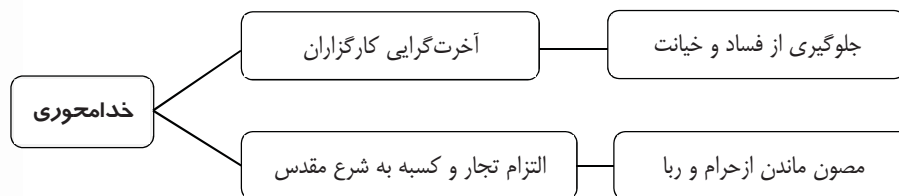
آخرت‌گرایی، یاد قیامت و معاد، حاصل دین‌داری و خدامحوری است. باور به معاد و قیامت و زنده شدن دوباره و محاسبه اعمال موجب می‌گردد تا انسان نسبت به عملکرد خود مواظبت بیشتری نشان دهد و در جهت آمادگی برای حساب و کتاب قیامت قدم بردارد: «مَنْ تَذَكَّرَ بَعْدَ السَّفَرِ اسْتَعَدَّ (حکمت ۲۸۰)؛ کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد خود را آماده می‌سازد.» اهمیت آخرت‌گرایی و نقش آن در تربیت موجب می‌گردد تا حضرت مکرر کارگزاران خود را به این مهم سفارش نماید، نمونه این مطلب نامه حضرت به یکی از کارگزارانی است که در امانت خیانت کرده و به خوردن حرام روی آورده است:

فَسُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُوْمِنُ بِالْمَعَادِ أَوْ مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ أَيُّهَا الْمَعْدُودُ كَانَتْ  
عِنْدَنَا مِنْ أَوْلِي الْأَلْبَابِ كَيْفُ تُسَيِّغُ شَرَابًا وَ طَعَامًا وَ أَتَتْ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَامًا وَ  
تَشْرَبُ حَرَامًا. (نامه ۴۱)

سبحان الله، آیا به قیامت ایمانت نیست، آیا از روز حساب بیمی به دل راه نمی‌دهی. ای کسی که در نزد من از خردمندان می‌بودی، چگونه آشامیدن و خوردن بر تو گوارا است و حال آنکه آنچه می‌خوری و می‌اشامی از حرام است.



از دیگر ثمرات خدامحوری در حوزه اقتصاد، متعهد شدن کاسبان و تاجران و بازرگانان به شرع مقدس و احکام شرعی است. باید گفت، از آنجا که دستوره‌های شرع براساس مصالح افراد و جوامع بیان شده است و با اعمال و التزام به آنان از کج‌روی‌ها و انحرافات جلوگیری خواهد شد، شناخت احکام شرعی در باب اقتصاد و به تعبیری احکام تجارت و کسب‌وکار، موجب اصلاح مفاسد و جلوگیری از معضلاتی خواهد شد که تهدیدکننده امنیت اقتصادی هستند. تأکید حضرت بر آموزش و یادگیری مسائل تجارت و کسب‌وکار از همین جهت است: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۳۸۱)؛ ای اهل تجارت اول فقه بعد تجارت اول فقه بعد تجارت اول فقه بعد تجارت» از نگاه حضرت پرداختن به تجارت و ورود به حوزه اقتصاد بدون آشنا شدن و فراگیری احکام و مسائل آن نتیجه و پیامدی جز جنگ با خدا و ربا نخواهد داشت: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا (حکمت ۴۴۷)؛ کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به ربا خواری آلوده شود».



## دو. مدیریت مطلوب

آنچه مسلم است، هیچ قومی بدون داشتن رهبر و مدیر نخواهد توانست به اهداف خود نائل شود، حقیقتی که امیرمؤمنان علیه السلام این‌گونه بدان اشاره می‌فرماید:

وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ  
وَيَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ  
يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ. (خطبه ۴۰)

درحالی‌که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به‌کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به‌وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با

دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند.

بنابراین اگر مدیر یک جامعه بتواند وظایف خود را به‌درستی انجام دهد، حاصل آن ثبات و امنیت در ابعاد و سطوح مختلف از جمله امنیت اقتصادی خواهد بود، در مقابل مدیریت ناشایست موجب ویرانی و گسترش فقر و در نتیجه فقدان امنیت اقتصادی است:

وَ إِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَزِ أَهْلِهَا وَ إِنَّمَا يُعْوِزُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَي الْجَمْعِ وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبِقَاءِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ. (نامه ۵۳)

و علت خرابی زمین بی‌چیزی و تنگدستی اهل آن زمین است و فقر و نداری آنان ناشی از زراندوزی والیان و بدگمانی آنان به بقا حکومت و کم بهره‌گیری آنان از عبرت‌ها و پندهاست.

بنابراین امور مردم و از جمله امور اقتصادی آنان اصلاح نخواهد شد مگر با اصلاح مدیران و مدیریت آنان: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاةِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ؛ (همان) پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت». از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام برای مدیریت مطلوب، شاخص‌ها و ملاک‌هایی وجود دارد، که در ادامه به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود.

#### ۱. مردمی بودن

از جمله شاخصه‌های مدیریت مطلوب و شایسته، همراه بودن با مردم در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها است. مدیری که خود را جدای از مردم نداند و همواره در سختی‌ها و محرومیت‌ها با مردم همراه باشد از یک‌سو خواهد توانست در برطرف نمودن مشکلات آنان توفیق بیشتری یابد و از سوی دیگر از حمایت آنان در هنگام سختی‌ها بهره‌مند باشد. در سیره مدیریتی و به ویژه مدیریت اقتصادی امیرمؤمنان علیه السلام این شاخص به‌خوبی مشهود است:

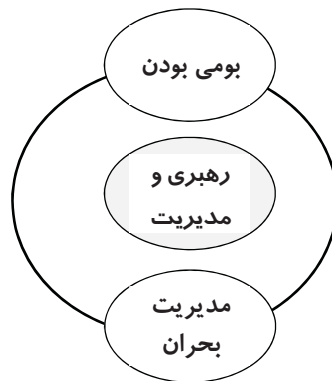
من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و از مغز گندم و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، درحالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی



باشد که به قرص نانی نرسد و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهای سوخته وجود داشته باشد. آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرمؤمنان علیه السلام خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم. (نامه ۴۵)

## ۲. مدیریت بحران

مدیریت بحران‌ها، مشکلات، سختی‌ها و محرومیت‌های اقتصادی، سد راه مسیر پیشرفت و توسعه شده و در صورت عدم رفع آنان می‌تواند عامل بی‌ثباتی و تهدیدکننده امنیت اقتصادی باشد. مدیریت صحیح و مدبرانه موجب دور ماندن جامعه اسلامی از هرگونه بحران شده و زمینه را برای پشت سر نهادن دشواری‌ها و خروج همراه با ایمنی از چالش‌ها، فراهم می‌کند. برای نمونه مدیریت همراه با تدبیر حضرت یوسف علیه السلام در مواجهه با بحران‌های زمان خود است. سیره مدیریتی امیرمؤمنان علیه السلام گویای همین شاخص است. در سال‌های هرچند کوتاه مدیریت ایشان بر جامعه اسلامی با وجود تمامی مشکلات و دشواری‌ها و سنت‌ها و بدعت‌های نابه‌جا، که موجب گسترش فقر و محرومیت طبقه‌ای از جامعه و در مقابل ثروت‌اندوزی و رفاه‌طلبی عده‌ای دیگر شده بود، حضرت با راهکارهایی که در ادامه این مقاله خواهد آمد وضعیت جامعه را به وضعیتی رساند که قابل قبول و نشان از مدیریت بحران ایشان است: «مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنزِلَةٌ لِيَأْكُلَ الْبُرَّ وَ يَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰ / ۳۲۷) کسی در کوفه نیست که در رفاه بسر نبرد، حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و سر پناه دارند و از آب فرات می‌آشامند».



### سه. قانون‌مداری

یکی از عوامل کلیدی در تحقق امنیت اقتصادی، قانون‌مداری و نبود هرج و مرج و بی‌نظمی و عدم قانون‌گریزی در جامعه است. قانون‌مداری موجب می‌گردد تا سرمایه‌گذاران با آسودگی و در سایه قانون فعالیت و تلاش نمایند و ترسی از تبعیض و سودجویی و سوء استفاده حریصان نداشته باشند و در مقابل فرصت‌طلبان و فاسدان نتوانند در امنیت به فساد و خیانت بپردازند. اهمیت قانون و ضرورت تبعیت از آن بر کسی پوشیده نیست. انسان به اجتماعی زیستن و نیازمندی به دیگر افراد جامعه نیازمند قوانین و مقررات متقن و صحیح است. میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی این مطلب را این‌گونه بیان می‌کند: «یحتاج إدارة شؤون الاجتماع إلى قانون کَلَّی يتضمَّن تعیین الحقوق و الحدود بین الأفراد علی الوجه الکَلَّی». (هاشمی خویی، ۱۳۵۶: ۲۰ / ۲۳۲)

در اینکه منشأ این قوانین کجا است مباحث زیادی مطرح گردیده است، اما آنچه مسلم است قانون مورد قبول از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام، قانون برگرفته از قرآن و سنت نبوی است. قانون‌مداری در جامعه به معنای اجرای دقیق و همگانی قانون به منظور دستیابی به عدالت، حفظ و رعایت حقوق آحاد جامعه و عدم ظلم و بی‌عدالتی در تمامی سطوح جامعه است، براساس این دیدگاه تمامی افراد جامعه در هر سطح، مقام و منسیی موظف به اجرای قانون و احترام به حقوق و رعایت عدالت هستند.

اهمیت قانون و قانون‌مداری در کلام و سیره امام علی علیه السلام به خوبی مشهود است. از دیدگاه حضرت جامعه سالم جامعه‌ای است که حقوق متقابل در جامعه مورد احترام باشد و عموم مردم در اطاعت از قانون به سر ببرند و در مقابل جامعه‌ای که با بی‌عدالتی و زیر پا نهادن حقوق دیگران و بی‌قانونی همراه شده باشد، جامعه‌ای خسران زده و غیر مطلوب است: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَأَخَذُواهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ؛» (نامه ۷۹)

پس از یاد خدا و درود همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند».



از دیدگاه حضرت جامعه‌ای که در آن قوانین و مقررات نادیده گرفته شود و قانون‌مداری به قانون‌گریزی مبدل گردد، جامعه‌ای عقب‌افتاده و بازگشته به اخلاق جاهلی و دور مانده از رحمت الهی است: «أَلَا وَ قَدْ قَطَعْتُمْ قَبْدَ الْإِسْلَامِ وَ عَطَلْتُمْ حُدُودَهُ وَ أَمَّتُمْ أَحْكَامَهُ؛ (خطبه ۱۹۲) آگاه باشید شما رشته پیوند با اسلام را قطع و اجرای حدود الهی را تعطیل و احکام اسلام را به فراموشی سپرده‌اید».

با توجه به اهمیت و ضرورت قانون‌مداری و تبعیت از قانون و آثار آن و نتایج مخرب قانون‌گریزی، در سیره عملی و کلام حضرت قانون‌مداران عزیز و قانون‌گریزان خوار و ذلیل هستند: «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِمَّنِ اعْوَجَّ مِنْكُمْ ثُمَّ أُعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ؛ خوارترین افراد نزد من انسان کج رفتار است، که او را به سختی کیفر خواهم داد». (نامه ۵۰)

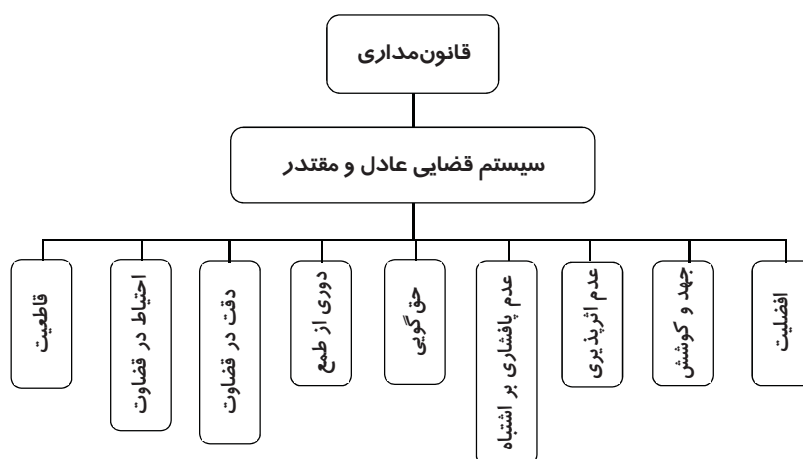
باید دانست که قانون‌مداری در جامعه از دیدگاه حضرت دارای پیش‌نیازهایی است که بدون وجود و تحقق آنها تحقق قانون‌مداری و بر چیده شدن هرج و مرج امکان‌پذیر نخواهد بود.

#### د) سیستم قضایی عادل و مقتدر

از جمله اساسی‌ترین پیش‌نیازهای قانون‌مداری در جامعه داشتن سیستم قضایی است که عدالت محور و مقتدر باشد. مطلبی که خویی آن را این‌گونه شرح می‌دهد: «اداره شئون اجتماع محتاج به قانونی کلی است تا متضمن تعیین حقوق و حدود بین افراد باشد و همچنین نیازمند قانونی عام است که در هنگام اختلاف و نزاع در مورد حقوق افراد بتوان به آن تمسک کرد و نیز محتاج قوه‌ای برای اجرایی کردن این قوانین است، از این رو قوای حکومت را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود که عبارتند از: قوه قانون‌گذاری، قوه قضائیه و قوه مجریه.» (هاشمی خویی، ۱۳۵۶: ۲۰ / ۲۳۲) آنچه مسلم است دستیابی به چنین سیستم قضایی رابطه تنگاتنگی با شخصیت و ویژگی‌های قضات دارد، از این رو حضرت در جهت محقق شدن چنین سیستم قضایی شاخص‌هایی را برای قضات مطرح می‌فرماید که عبارتند از:

افضلیت، جهد و عدم خستگی، عدم اثرپذیری از طرفین دعوا، عدم پافشاری بر اشتباه، حق‌گویی، دوری از طمع، دقت در قضاوت، احتیاط در قضاوت و قاطعیت. (نامه ۵۳)

مواردی که تاکنون بیان شد، در جلوگیری سیستم قضایی از فساد، خیانت، پایمال شدن حق و تحقق امنیت اقتصادی در جامعه، تأثیر زیادی دارد، اما باید گفت قاطعیت سیستم قضایی در تحقق امنیت اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر سیستم قضایی و قضات، قاطعیت لازم را در برخورد با مجرمان و مفسدان اقتصادی نداشته باشند، هرگز موفق به انجام وظیفه خود و تحقق امنیت اقتصادی نخواهند شد: «وَ أَصْرَمَهُمْ عِنْدَ أَضَاحِ الْحُكْمِ مِمَّنْ لَا يَزْدَهِيهِ إِطْرَاءُ؛ (نامه ۵۳) در وقت روشن شدن حکم از همه قاطع‌تر باشد» سیره عملی امیرمؤمنان علی علیه السلام نشان‌دهنده قاطعیت ایشان در برخورد با مفسدان و خائنان و تهدیدکنندگان امنیت اقتصادی جامعه است؛ که در این تحقیق به‌عنوان راهکار تحقق امنیت اقتصادی به آن پرداخته خواهد شد.



### کمک به رونق اقتصادی

در اسلام و سیره اهل بیت علیهم السلام نسبت به کار و تلاش و برآوردن نیاز اقتصادی و رونق آن، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی آن، سفارش و تأکید فراوانی شده است، تا بدانجکه تلاش برای کسب‌وکار و به دست آوردن روزی حلال با مجاهدت در راه خدا برابر دانسته شده است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قال النبي صلی الله علیه و آله: الْكَاذُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۶۸) کسی که برای تأمین زندگی عیال خود زحمت می‌کشد، همچون مجاهد در راه خدا است» از سوی دیگر ازجمله عوامل مؤثر در امنیت اقتصادی توجه به رونق اقتصادی و رفع هرگونه محرومیت و عقب افتادگی اقتصادی





در جامعه است، جامعه‌ای که با رکود اقتصادی و فقر و محرومیت روبه‌رو است، امنیت و ثبات مطلوبی نخواهد داشت، بنابراین رونق اقتصادی به‌معنای بهره‌مند شدن تمامی اقشار جامعه از اقتصاد سالم و عادلانه، موجب امنیت در تمامی ابعاد آن و به‌ویژه امنیت اقتصادی خواهد شد، این مهم جز با تلاش و مجاهدت و اهتمام در مسیر تقویت ارکان اقتصاد یک جامعه حاصل نمی‌شود. سیره و کلام امیرمؤمنان علیه السلام دلیل بر این مدعا است؛ از دیدگاه امام علیه السلام تجارت و صنعت دو رکن اساسی رونق اقتصادی هستند که موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی می‌شود، از این‌رو امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر بر این دو رکن اساسی سفارش می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالَّتِجَارَةِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ ...». (نامه ۵۳)

حضرت در بیان اهمیت تجارت و صنعت، این دو رکن رونق اقتصاد را موجب قوام و استحکام جامعه و اقشار آن می‌داند:

وَلَا قَوْمَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالتِّجَارَةِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَاقِبِهِمْ وَ يُقِيمُونَهُ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ وَ يَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرَفِّقِ بِأَيْدِيهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ رِفْقٌ غَيْرِهِمْ. (همان)

و گروه‌های یادشده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند؛ زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است.

تشویق و سفارش‌های حضرت به تجارت و رونق اقتصادی جامعه توسط تجار و بازرگانان، از ویژگی‌های مدیریتی امیرمؤمنان علیه السلام است. حضرت همواره بر تجارت و کسب‌وکار به‌عنوان منابع درآمد و روزی سفارش و توصیه داشته است:

اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ إِنَّ الرِّزْقَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ فِي التِّجَارَةِ وَ وَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا. (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۹۲)

به کسب بپردازید خدا به شما برکت عنایت فرماید، به راستی که من از رسول خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که می‌فرمود: روزی ده بخش است؛ نه بخش آن در تجارت است و یک بخش در غیر آن.

از جمله تهدیدهای امنیت اقتصادی، وابستگی و عدم استقلال اقتصادی است، جامعه‌ای که



به خودکفایی در نیازمندی‌های خود نرسد و در تامین نیازهای خود وابسته به غیر باشد، دچار تزلزل در امنیت اقتصادی خواهد شد، بنابراین استقلال و عدم وابستگی اقتصادی به دیگران ضرورتی انکارناپذیر برای جامعه اسلامی است؛ چراکه وابستگی اقتصادی منجر به وابستگی سیاسی و فرهنگی می‌شود و به تدریج جامعه را به سوی انحراف از مبانی صحیح و دنباله‌روی از سیاست‌های غیر اسلامی سوق می‌دهد، از این رو در دین مبین اسلام بر قاعده نفی سبیل تأکید گردیده است. قاعده نفی سبیل که برگرفته از تعالیم قرآن کریم است<sup>۱</sup> به مفهوم بسته شدن هرگونه راه تسلط دشمن (کفار) بر مسلمانان و جامعه اسلامی، مخالف با وابستگی به دشمنان در ابعاد مختلف و به‌ویژه وابستگی اقتصادی است. حضرت تجارت را عامل استقلال اقتصادی و دوری از وابستگی را تجارت و کسب‌وکار می‌داند: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۱۱) تجارت کنید و به کار و تولید روی بیاورید که از آنچه در دست دیگران است بی‌نیاز می‌شوید.» با توجه به اهمیت تجارت، امام علی علیه السلام عامل زمینه‌ساز رونق تجارت و به تبع آن اقتصاد را آسان‌سازی تجارت و کسب‌وکار همراه با عدالت دانسته و تجارت براساس موازین شرع و اسلام را معیار تجارت می‌داند: «وَلَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ؛ (نامه ۵۳) باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند.

از دیدگاه امام علیه السلام صنعت نیز به‌عنوان رکن اقتصاد پویا و عامل رونق اقتصادی جامعه، باید مورد توجه مدیران و کارگزاران جامعه قرار گیرد، از این رو در روایات بر توسعه صنعت و بهره‌مندی از صنایع و حرفه‌های مختلف توصیه شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ؛ خدا، صاحب حرفه درستکار و امین را دوست دارد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۱۱)

گام دیگر حضرت در جهت رونق اقتصادی، عمران و آبادانی بلاد اسلامی است. ایشان در نامه خود به مالک اشتر، از جمله دلایل فرستادن مالک به مصر را آبادانی و عمران دانسته و

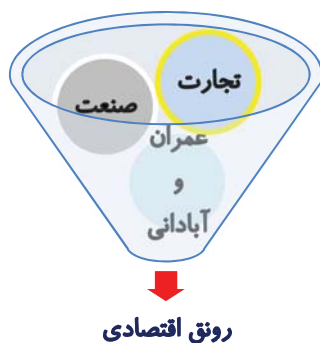
۱. وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ (نساء / ۱۴۱) و خدا هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

خواستار اهتمام و توجه ویژه او به عمران و آبادانی بلاد اسلامی به عنوان تضمین کننده خراج و مالیات شدند:

وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَحْرَبَ الْبِلَادِ، وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا. (نامه ۵۳)

باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.

از جمله راهکارهای حضرت در جهت عمران و آبادانی، تشویق نیروهای انسانی کارآمد به بسیج سازندگی و ترغیب به آبادانی است. حضرت در نامه خود به قرظة بن کعب انصاری، با توجه به درخواست مردم به آبادانی و بازسازی نهر متروک آنان و تأثیر آن نهر در اقتصاد و کشاورزی آنان و خروج آنان از محرومیت و فقر، از وی می‌خواهد تا با کمک نیروهای انسانی داوطلب و مشتاق در سازندگی و احیاء آن نهر اقدام نماید. (محمودی، ۱۳۷۶: ۵ / ۳۳)



#### هـ) موانع (تهدیدها) امنیت اقتصادی

موانع در لغت به معنای امور بازدارنده از اجرای کار است و در اصطلاح عبارت است از مشکلات بازدارنده از پیشرفت در امور. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه موانع) بنابراین موانع امنیت اقتصادی شامل اموری است که در تحقق امنیت اقتصادی ایجاد مشکل کرده و سد راه آن شود.

## یک. فقدان عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به مفهوم توزیع مناسب و عادلانه ثروت و امکانات اقتصادی، در میان اقشار جامعه به منظور جلوگیری از ظلم و ستم به عموم مردم است. نابرابری و فقدان عدالت اقتصادی، پیامدهای بسیاری چون: تضاد طبقاتی، دل‌سردی سرمایه‌گذاران و فقدان انگیزه تولید و رشد، ازدیاد فساد اقتصادی و ... در پی خواهد داشت که هر کدام به نوبه خود آثار مخربی در امنیت اقتصادی برجای خواهند گذاشت.

### تبعیض و نابرابری

یکی از مصادیق بی‌عدالتی اقتصادی و همچنین موانع اقتصاد مقاومتی تبعیض‌ها و نابرابری‌های است که در حوزه اقتصاد وجود دارد. یکی از این نابرابری‌ها امتیازجویی و امتیازطلبی افراد و به تعبیر دیگر بی‌عدالتی توزیعی در مقابل عدالت توزیعی است. در حوزه اقتصاد افراد گاه با تصور نزدیکی‌شان به مسئولان یا دارا بودن منصب دولتی برای خود امتیازهایی را نسبت به عموم مردم قائل هستند، که موجب می‌گردد به واسطه این تصور غلط، حق دیگران را پایمال کرده و خود را تافته جدا بافته بدانند، از این رو حضرت به مالک اشتر تذکر می‌دهد که با این تصور غلط مقابله نماید: «وَإِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ» (نامه ۵۳) مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی.»

نمونه دیگر تبعیض‌ها و تهدیدهای امنیت اقتصادی، امتیازدهی مسئولان و کارگزاران به بستگان و خویشاوندان خود است. در طول مدیریت حضرت بر جامعه اسلامی، سیره ایشان گویای مقابله با این تبعیض و نابرابری‌ها است. برخورد ایشان در مقابل درخواست امتیازخواهی برادرش عقیل یکی از این موارد است. (خطبه ۲۲۴)

نمونه دیگر، برخورد امیرمؤمنان علیه السلام در مواجهه با عملکرد دخترش در عاریه گرفتن گردنبندی از بیت‌المال است. حضرت پس از شنیدن این مطلب کارگزار بیت‌المال علی بن ابی‌رافع را توبیخ نمود و دستور داد آن را به‌جایش برگرداند و فرمود، اگر دخترم گردنبند را به‌طور عاریه مضمونه نگرفته بود، اولین زن هاشمی بود که دستش به جرم سرقت قطع می‌شد.

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰ / ۳۳۸)





حضرت پس از بیعت مردم و قبول منصب خلافت، به مبارزه با این تصور غلط و خطرناک پرداخت و در اولین اقدام به باز گرداندن اموال عمومی و بیت‌المال و امتیازهایی که در زمان خلفای قبل به ناحق به برخی داده شده بود، مبادرت ورزید:

وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءُ وَمُلِكَ بِهِنَّ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُنَّ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ. (خطبه ۱۵)

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.

اهمیت این موضوع و پیامدهای خطرناک آن در اقتصاد اسلامی، موجب می‌گردد تا حضرت این نکته را به مالک اشتر تذکر داده و او را از این تهدید خطرناک برحذر دارد:

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو است. (نامه ۵۳)

## دو. مماشات در برخورد با مفسدان اقتصادی

آزاد گذاردن مفسدان اقتصادی و عدم برخورد قاطع و مؤثر با آنان، موجب جسارت بیشتر مفسدان و در نتیجه شیوع روحیه یأس و ناامیدی در میان نیکان خواهد شد:

وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَالْأَزْمُ كَلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ. (همان)

هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری



بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را براساس کردارشان پاداش ده.

در سیره مدیریتی حضرت مفسدان اقتصادی در هر جایگاه و مقامی که باشند به سختی و با قاطعیت مورد مجازات و عقاب قرار می‌گیرند. حضرت در مواجهه با یکی از کارگزاران مفسد این‌گونه می‌فرماید:

پس، از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم نمود، که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم». (نامه ۴۱)

### سه. اقتصاد مسموم

اقتصاد اگر براساس اصول صحیح و احکام الهی صورت نگیرد، نه‌تنها رونق و برکت اقتصادی را از بین خواهد برد بلکه به گسترش فساد در جامعه و فقدان امنیت کمک خواهد نمود. زمانی که اقتصاد آلوده به حرام و راه‌های مسموم گردد و در مقابل عده‌ای صاحب ثروت و امکانات بادآورده گردند، امید و انگیزه به تولید و توسعه سالم در جامعه کاهش یافته و تمایل به اقتصاد ناسالم افزایش خواهد یافت، از این رو حضرت بر مبارزه با اقتصاد ناپاک و مسموم و مصادیق آن تأکید دارند:

#### ۱. احتکار

ازجمله مصادیق اقتصاد ناسالم و مسموم اقدام به احتکار است. احتکار به مفهوم نگهداری کالا و هر آنچه که ضروری زندگی مردم است، به قصد سود بردن در زمان گرانی آن است. در دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام احتکار از قبیح‌ترین و ناپاک‌ترین شیوه‌های تجارت و از اخلاق اهل فجور است: «**الِاِحْتِکَارُ شِیمَةُ الْفُجَّارِ**؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۳) احتکار از اخلاق فاجران است». ازجمله آثار احتکار از بین رفتن حس اطمینان و آرامش روانی جامعه و به تعبیر دیگر

هرج و مرج در میان جامعه و عامل ضرر و زیان برای عموم مردم است:

اعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شُحًّا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابُ مَضْرُوءٍ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَالِدَةِ. (نامه ۵۳)

بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است.

از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام احتکار موجب ازدیاد محرومیت در سطح و طبقات پایین جامعه است: «الِاحْتِكَارُ دَاعِيَةُ الْحَرْمَانِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۱) احتکار عامل محرومیت است. با توجه به خطرهای احتکار برای جامعه و تهدید امنیت اقتصادی، حضرت مالک را بر کیفر و مجازات محتکر پس از منع او از احتکار سفارش می‌نماید:

فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ وَ لَيْكِنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّ بِهٖ وَ عَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ. (نامه ۵۳)

پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن جلوگیری می‌کرد ... کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن.

## ۲. ربا خواری

از جمله مصادیق دیگر اقتصاد مسموم و ناپاک، رباخواری است. قرآن کریم رباخواری را جنگ با خدا و رسولش معرفی می‌نماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ × فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ. (بقره / ۲۷۹ - ۲۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید.

ربا خواری از دیدگاه حضرت، می‌تواند غیر محسوس وارد اقتصاد اسلامی شده و آن را آلوده و مسموم نماید: «وَاللَّهِ لَلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ ذَيْبِ النَّمْلِ عَلَي الصَّفَاءِ؛ (بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۳ / ۲۱۸) به خدا سوگند ربا در این امت، مخفی‌تر از راه رفتن مورچه بر روی تخته سنگ‌های بزرگ است».

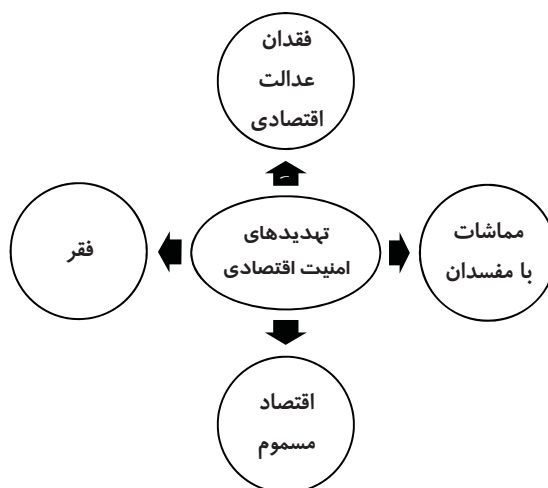
حضرت در ترسیم چگونگی آلوده شدن اقتصاد به ربا و رباخواری، توجیه‌های شیطانی و مخفی کردن این عمل نادرست در پوشش هدیه را بیان نموده و رباخواری را با توجه به بیان پیامبر ﷺ فتنه و آزمایشی برای امت می‌داند:

ای علی همانا، این مردم به‌زودی با اموالشان دچار فتنه و آزمایش می‌شوند و در دینداری بر خدا منت می‌گذارند، با این حال انتظار رحمت او را دارند و از قدرت و خشم خدا، خود را ایمن می‌پندارند، حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس‌های غفلت‌زا، حلال می‌کنند، شراب را به بهانه اینکه آب انگور است و رشوه را که هدیه است و ربا را که نوعی معامله است حلال می‌شمارند. گفتم ای رسول خدا در آن زمان مردم را در چه پایه‌ای بدانم آیا در پایه ارتداد یا فتنه و آزمایش پاسخ فرمود: «در پایه‌ای از فتنه و آزمایش». (خطبه ۱۵۶)

#### چهار. فقر و محرومیت

فقر و محرومیت در جامعه ریشه بسیاری از ناامنی‌ها و ناهنجاری‌ها است. فقر و محرومیت تهدیدکننده ایمان، اعتقاد، دین و فرهنگ جامعه است، از این رو حضرت در بیانی به فرزندشان محمد بن حنفیه، پیامدهای فقر را این‌گونه شرح می‌دهد: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ (حکمت ۳۱۹) ای فرزند من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است».

آنچه مسلم است شیوع این پیامدها و آسیب‌ها در جامعه امنیت را در همه ابعاد آن تحت‌الشعاع قرار داده و حاصلی جز هرج و مرج و ناآرامی و شیوع فساد و تباهی چیزی به‌همراه نخواهد داشت: «ضُرُورَةُ الْفَقْرِ تَبْعَتْ عَلَي فَطِيحِ الْأَمْرِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۵) ناچاری فقر، انسان را به کارهای زشت و وحشت‌انگیز وا می‌دارد».



### و) راهکارهای تحقق امنیت اقتصادی

پس از بیان دیدگاه‌های امیرمؤمنان علیه السلام در مورد عوامل و موانع امنیت اقتصادی، مناسب است راهکارهای بیان شده از سوی حضرت و به تعبیر دیگر راه‌های دستیابی به امنیت اقتصادی و برون‌رفت از بحران‌های امنیت اقتصادی بررسی شود. حضرت در جهت دستیابی به امنیت اقتصادی به راهکارهایی چون: تقویت اعتقادات و باورهای دینی، بالا بردن بینش اعتقادی فعالان اقتصادی و آشنا کردن آنان با احکام شرع، برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی، دوری از افراط و تفریط در حوزه اقتصاد، برنامه‌ریزی صحیح و شایسته، نظارت و بازرسی مستمر، ترویج دستگیری از ناتوانان، اشتغال‌زایی و ترویج فرهنگ وقف اشاره می‌کند. بدون شک پرداختن به تمامی راهکارهای بیان شده از سوی حضرت در این مقاله نمی‌گنجد، از این‌رو از میان راهکارهای ذکر شده به چند راهکار اشاره می‌شود:

#### یک. نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی

از دیدگاه حضرت گرچه قشر تجار و بازرگانان و فعالان اقتصادی، افرادی بی‌آزار و آرام هستند: «فَأَيْهِمْ سَلْمٌ لَّا تُخَافُ بَأَيْتَهُ وَصَلْحٌ لَّا تُخْشِي غَائِلَتَهُ»؛ (نامه ۵۳) بازرگانان مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند.»

اما در میان آنان کسانی هستند که منفعت شخصی و سودجویی را بر انصاف و عدالت ترجیح می‌دهند و مرتکب خیانت و فساد در بازار می‌شوند

وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشُحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَذَلِكَ بَابُ مَضْرَّةٍ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَيَّ الْوَلَاءِ. (همان)

این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورجویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است.

بنابراین نظارت دقیق و مستمر بر بازار و کاسبان و فعالان اقتصادی، موجب پیشگیری و کاستن از فساد اقتصادی خواهد شد و امنیت اقتصادی را به ارمغان خواهد آورد. سیره مدیریتی و عملی امیرمؤمنان علیه السلام بر این راهکار اساسی اشاره دارد. حضرت به بازارهای مختلف و کسب‌های گوناگون سرکشی می‌نمود، آنان را مورد خطاب قرار داده و به‌رعایت شرع و انصاف، بردباری و عدالت سفارش می‌کرد و از نزدیک شدن به ربا، کم‌فروشی، بخل، دروغ و ظلم برحذر می‌داشت و در صورت تخلف، کاسب خطاکار را مجازات می‌کرد. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۷ / ۳۸۳)

## دو. برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی

### ۱. تهدید به مرگ

حضرت در مواجهه با یکی از کارگزاران مفسد و خیانتکار در بیت‌المال، وی را به بازگرداندن اموال مسلمین امر می‌کند و مجازات او را در صورت تمرد مرگ و اعدام می‌داند: «پس، از خدا بترس و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذرخواه من باشد، و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید». (نامه ۴۱)

### ۲. مجموعه‌ای از مجازات

شدت عمل حضرت در برخورد با مفسدان اقتصادی، با تناسب جرم یا نوع آن متفاوت بوده است،

از جمله قبیح‌ترین مفسد اقتصادی که تهدیدی بزرگ برای امنیت اقتصادی به‌شمار می‌رود، رشوه است. گناهی که مرتکب آن در روایات مورد لعن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته است: «لعنة الله على الراشي و المرتشي؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۷) لعنت خدا بر رشوه ده و رشوه گیر باد.» از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام کارگزاری که به گناه رشوه آلوده شود، مشرک است: «أبما وال احتجب عن حوائج الناس، احتجب الله [عنه] يوم القيامة [و] عن حوائجه و إن أخذ هدية كان غلولا و إن أخذ رشوة فهو مشرك؛ (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۶۱ / ۱۴۰۶) هر حاکمی که حوائج مردم را برآورده نسازد، خدا در روز قیامت حوائجش را برآورده نمی‌سازد. و اگر هدیه‌ای بگیرد، خیانت کرده و اگر رشوه بگیرد، مشرک است.» با توجه به خطرات و آسیب‌های مخربی که رشوه بر بدنه اقتصاد اسلامی وارد می‌آورد، حضرت در برخورد با کارگزار خود که مرتکب این خیانت گردیده است از مجموعه‌ای از مجازات‌ها و تنبیه‌ها استفاده می‌کند، مجازاتی مانند: عزل از مقام و منصب، زندان و حبس، شلاق و حد، معرفی به مردم به‌عنوان خائن، و ... برای نمونه به برخورد امیرمؤمنان علیه السلام با یکی از کارگزاران و مأموران نظارتی و امنیتی ایشان اشاره می‌شود: «ابن هرمة، از نیروهای اطلاعاتی امام علی علیه السلام در بازار اهواز بود که اسیر نفس شد و از بازاریان رشوه گرفت. وقتی این خبر به امام علیه السلام رسید او را عزل کرده و به حاکم اهواز نوشت: او را زندانی کند، موهای سرش را بتراشد و روزهای جمعه سی و پنج تازیانه بر او بزند و او را در شهر بگرداند و هر کس از او شکایتی دارد رسیدگی و از اموال ابن هرمة بپردازد و چون زندانیان را به بیرون زندان برای گردش و هواخوری می‌برند او را نبرند و جز به هنگام نماز زنجیر از پاهای او در نیاورند و دستور فرمود تا حقوق ابن هرمة را از دیوان دولتی قطع کند.» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷ / ۴۰۳)

#### سه. دستگیری از ضعف

گفته شد، که فقر و محرومیت یکی از موانع امنیت اقتصادی به‌شمار می‌رود، بنابراین از راهکارهای امنیت اقتصادی رفع فقر و محرومیت‌زدایی است. تأمل در آیات و روایات، بیانگر آن است که از جمله راه‌های محرومیت‌زدایی، ترغیب جامعه به پرداخت صدقه و دستگیری و

کمک به فقرا و نیازمندان جامعه است. قرآن کریم بر وظیفه هر مسلمان در برابر نیازهای مسلمانان دیگر و برآوردن حوایج آنان تأکید و توصیه دارد: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ (ذاریات / ۱۹) و در اموالشان برای سائل و محروم حقی معین بود.» قرآن کریم از جمله فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را دستگیری از نیازمندان می‌داند: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛ (انسان / ۸) و به سبب دوستی خدا، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند.»

از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام صدقه به مثابه دواء و داروی درمان محرومیت و فقر است: «وَالصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ؛ (حکمت ۷) صدقه دادن دارویی ثمر بخش است» به‌همین دلیل خدای متعال روزی فقرا را در اموال ثروتمندان قرار داده است؛ در صورتی که ثروتمندان این حق را اداء کنند بی‌شک فقر و محرومیت از جامعه کاسته خواهد شد: «وَقَالَ علیه‌السلام إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ (حکمت ۳۲۸) همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خدا از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.»

حضرت در ترسیم و توصیف جوامع نامطلوب از جمله ویژگی‌های این دسته جوامع را خسارت و زیان شمردن صدقه می‌داند: «يَأْتِي عَلَي النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَ لَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَ لَا يُضَعَفُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يُعْدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا ... (حکمت ۱۰۲) روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه و ناتوان نگردد جز عادل، در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت انگاشته می‌شود» درحالی که از نگاه حضرت صدقه موجب برکت و زیادی در رزق: «بِرَكَّةِ الْمَالِ فِي الصَّدَقَةِ.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۹۵) و رحمت خدا است: «الصَّدَقَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ.» (همان: ۶۷)

#### چهار. فرهنگ وقف

وقف به معنای جدا نمودن مال یا دارایی‌های انسان و نگهداری اصل مال و دارایی و صرف منافع آن در امور خیر و عام المنفعه است. از جمله راهکارهای ارائه شده توسط امیرمؤمنان علیه‌السلام





در ایجاد امنیت اقتصادی و زدودن محرومیت و فقر از جامعه، به‌عنوان تهدیدکننده امنیت اقتصادی، ترویج و توسعه فرهنگ وقف در جامعه است. در روایات ما بر مسئله وقف و صدقه جاریه تأکید شده و از جایگاه والایی برخوردار است؛ امام علی علیه السلام در روایتی صدقه و وقف را ذخیره و توشه آخرت معرفی می‌کنند: «الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ قَدْ عَوْهُمَا لِيَوْمِهِمَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۴۵) صدقه و وقف دو ذخیره‌اند، آنها را برای روز قیامت قرار دهید».

سیره عملی حضرت در طول حیات گهربار ایشان، گویای اهتمام حضرت بر مسئله وقف و اهمیت آن است. حضرت در طول حیات شرافتمندانه خود املاک و اموال زیادی را وقف مستمندان و نیازمندان و عموم مردم جامعه اسلامی نمود. حضرت در نامه خود به فرزندانش در نهج‌البلاغه به وقف وصیت و سفارش می‌فرماید:

این دستوری است که بنده خدا علی بن ابی‌طالب، امیرمؤمنان نسبت به اموال شخصی خود، برای خشنودی خدا، داده است، تا خداوند با آن به بهشتش در آورد و آسوده‌اش گرداند ... و با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشند، تا همه این سرزمین یک پارچه به‌گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد. (نامه ۲۴)

اگر فرهنگ وقف در جامعه اسلامی رواج پیدا نماید، شاهد سرمایه‌هایی ماندگار و بهره‌مندی نیازمندان و عموم افراد جامعه از منافع آنها خواهیم بود و حاصل آن کاسته شدن فقر و محرومیت و در پی آن بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد بود که بدون شک به امنیت اقتصادی منجر خواهد شد.

### نتیجه

حاصل سخن آنکه اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد نظام اجتماعی زندگی بشر است که نقش عمده‌ای در پیشرفت و توسعه جامعه ایفا کرده و زمینه‌های عزت و رشد و بالندگی جامعه اسلامی را ایجاد خواهد نمود.

از سوی دیگر اقتصاد زمانی پویا و عامل پیشرفت جامعه خواهد شد که دچار تزلزل و



آلوده شدن به فساد و کجروی‌ها نگردد، از این رو برای داشتن اقتصادی سالم و پویا، دستیابی به امنیت اقتصادی و دور مانده اقتصاد از تهدیدها و آسیب‌ها امری ضروری است. سیره و روش امام علی علیه السلام به سبب فرصت تشکیل حکومت برای جوامع اسلامی الگویی بی‌نظیر است. تمسک به سیره و روش ایشان در امور اقتصادی، بهترین راهکار برای دستیابی جوامع اسلامی به اقتصادی سالم و پویا و امنیت اقتصادی پایدار است.

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

- نهج الفصاحة، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۵، تهران، دنیای دانش.

- آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، روان‌شناسی اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.

- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۶ ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی.

- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.

- بروجردی، آقاحسین، ۱۳۸۶، جامع احادیث الشیعة، تهران، فرهنگ سبز.

- برومند، شهزاد و همکاران، ۱۳۸۷، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه

تطبیقی)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۸۷، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر

تبلیغات اسلامی.

- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۹ ق، غرر الحکم و درر الکلم، سید مهدی رجایی، قم، دار الکتب الإسلامی.



- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.

- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.

- لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليه السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۴، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا.

- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۴، امامت و رهبری، تهران، صدرا.

- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

- هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، ۱۳۵۶، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.

#### ب) مقاله ها

- زارعشاهی، علی، ۱۳۷۹، «بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، مطالعات راهبردی، شماره ۸-۷، ص ۲۴۲-۲۲۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- لک زایی، نجف، ۱۳۹۰، «فقه و امنیت»، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۷۰، ص ۸۶-۴۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

